



روش تحقیق کیفی پدیده‌ای نوظهور نیست!

■ دکتر غلامرضا فدائی

استاد دانشگاه تهران

کیفی، این موضوع تازه در کشور و در جامعه تحقیق مطرح می‌شود. به‌ویژه آنکه ما همه چیز را از غرب می‌گیریم و منتظریم تا آنها لب تر کنند و ما آن را به‌منزله فکر بکر مطرح کنیم. البته از حق نباید گذشت که در بسیاری از موارد آنها در پژوهش صاحب‌نظرند یا طریقه بیان را می‌دانند یا جرئت و جسارت اظهار دارند و در جامعه‌ای پرورش یافته‌اند که اگر مطلب تازه‌ای گفتند، آن مطلب تازه از سوی همکاران و هم‌فکران مورد اقبال و نقد منصفانه قرار می‌گیرد. در روش تحقیق هم آنها سال‌ها است که پیش‌اند و ما هم به دنبال آنها با رویکرد پوزیتیویسم همان می‌کنیم که آنها می‌گویند. پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی و یا روش تحقیقی که رویکردی بس تنگ‌نظرانه و یک‌جانبه است، سالها بر تاروپود جامعه تحقیق ریشه دوانیده و همه جا را درنوردیده است تا جایی که سایه سنگین آن را در جامعه علمی و تحقیقی به‌ویژه در وزارتخانه‌هایی چون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به‌خوبی مشاهده می‌کنیم. به‌گونه‌ای که تحقیق فقط تحقیق کمی و آماری بر مدار اثبات‌گرایی است. این وزارتخانه‌های علمی در کشور آنچنان درگیر پوزیتیویسم هستند که در بسیاری از موارد اگر پژوهشی با این رویکرد صورت نگرفته باشد، آن را علمی تلقی نمی‌کنند و باید به‌کناری نهاده شود. بنابراین از این جهت اگر به مسئله نگریسته شود، این سخن، سخن به‌حق است و طرح پژوهش کیفی پدیده‌ای نوظهور است و نگارش یا ترجمه منابعی این چنین چیز تازه‌ای است. ظهور کتاب‌های تازه‌ای در این مورد و در سال‌های اخیر این مطلب را تأکید می‌کنند و چرخش گاه تا صدو هشتاد درجه‌ای بعضی از استادان روش تحقیق نیز قابل توجه است.

اما از جنبه دیگر، این حرف درست نیست، زیرا اگرچه ممکن است به‌عنوان موضوعی روشمند چیز تازه‌ای باشد، ولی مفهوم تحقیق کیفی و حتی اجرای آن متناسب با هر عصر و زمانی، امری قدیمی است و همه در زندگی عادی و غیرعادی خود با آن در ارتباطند. کیست که وقتی بحث‌گزی‌ش مطرح می‌شود، نداند که نباید به ظواهر و کمیت اکتفا کرد. همه ما وقتی بحث انتخاب همسر، دوست، همکار و به‌ویژه برای مشاغل حساس مطرح می‌شود، به کیفیت توجه می‌کنیم و تحقیقات در این مورد گاه بسیار دامنه‌دار و دقیق است. همچنین اگر واقعه‌ای اتفاق افتاده باشد، همه و به‌ویژه مسئولان امر می‌دانند که باید برای احراز نتیجه و کشف حقیقت تا آنجا که ممکن است به تحقیق ادامه دهند و از همه عوامل و شواهد استفاده کنند.

تحقیق کیفی اخیراً در جامعه پژوهشی بسیار مطرح شده و محققان خارج و داخل کشور به آن اقبال کرده‌اند. نگارنده هم از کسانی است که به تحقیق کیفی بسیار علاقه‌مند است و آن را ضرورتی در روش‌های تحقیق می‌داند. علت نگارش این مختصر نه صرفاً معرفی روش تحقیق کیفی است، بلکه انگیزه آن از مطالعه نقد دکتر افشار بر اثر دکتر نجلا حریری - که سعی هر دو مشکور باد - حاصل شده و آن، این جمله دکتر افشار بود که «رویکرد به ادبیات پژوهش کیفی پدیده‌ای نوظهور است» (افشار زنجانی، ص ۲۸).

از آنجاکه علم با نوآوری عجین است و این نوآوری در هر جا باشد، مطلوب و مورد توجه است، لذا هر کسی علاقه‌مند است که کار خود را نو بنامد که گفته‌اند:

سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر

اما نبودن از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. گاهی ادبیات نو و نوظهور است بدین معنا که در جهان تاکنون چنین موضوعی نبوده و تازه به‌وجود آمده است. مثلاً شاید بتوان کشف الکل توسط رازی یا اختراع برق توسط ادیسون را از این نوع دانست. گاهی اوقات، نبودن بدین معناست که چیزی که قبلاً بوده، ولی مدت‌ها متروک و فراموش شده و دوباره از نو [و احتمالاً با رویکردی جدید] مطرح شده است و این به‌نوعی نبودن را مطرح می‌کند. زمانی نبودن بدین معناست که مطلب قدیمی با سبک و شیوه‌ای نو بیان می‌شود و نبودن را نشان می‌دهد. گاهی هم مطلبی نوست بدین معنا که در کشور و جامعه‌ای دیگر مطرح بوده، ولی در جامعه ما برای اولین بار مطرح می‌شود؛ زمانی هم ممکن است نبودن مسئله به‌دلیل طرح آن در بین قشر خاصی از جامعه باشد؛ مثل اینکه نسل جوان، موضوعی را که در بین بزرگسالان یا متقدمین مطرح بوده، مورد توجه قرار داده‌اند و آن را به‌کار بسته‌اند. در همه این احوال، نبودن می‌تواند مطرح باشد اما اینکه سابقه موضوع فراموش یا نادیده گرفته شود و تحقیق در ادبیات مورد نظر - چه شفاهی چه مکتوب - به‌دقت بررسی نشود، مطلوب به‌نظر نمی‌رسد. عدم توجه به سابقه و به‌تعبیری ادبیات یا پیشینه پژوهش اگر از هر کس پذیرفته شود، از جامعه کتابدار که متولی تحقیق در ادبیات پژوهشند پذیرفته نیست و از آنها به‌مراتب انتظار بیشتر می‌رود.

گفتن اینکه پژوهش کیفی پدیده‌ای نوظهور است، از یک جهت درست است و از جهت دیگری درست نیست. از این جهت درست است چون پس از دوران رکود و غفلت از مسائل علمی و به‌ویژه

**گفتن این که پژوهش کیفی
پدیده‌ای نوظهور است از یک
جهت درست است و از جهت
دیگری درست نیست**



**بسیاری از مفاهیم، با آن که در جامعه غرب
تازه مطرح شده و ما آن را به‌عنوان کالای
علمی و فرهنگی وارداتی تلقی می‌کنیم ولی
اگر قدری دقت شود و مطالعه‌ای صورت
گیرد، نمونه‌ها و نظایر آن را در گذشته خود
فراوان می‌یابیم**

مسئولان اجرایی و انتظامی و به‌ویژه در تحقیقات پلیسی و قضایی، بنا به مقتضای حرفه‌اشان که کار سنگینی است، همواره از روش تحقیق کیفی استفاده کرده و می‌کنند و اگر چه جایی به آن تصریح نکرده باشند و مثلاً آن را در کتاب‌های روش تحقیقشان نیاورده باشند. آنان در رویه‌های خود به آن پایبندند و آن را عمیقاً اجرا می‌کنند. اینها خود انواعی از روش‌های تحقیق کیفی هستند که نام آنها می‌تواند تحقیق داده‌محوری، تحقیق زمینه‌ای و مانند آن باشد.

در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما به بحث کیفیت توجه فراوان شده است. مطالب دربارهٔ تحقیق کیفی آنقدر فراوان است که این مختصر مجال اشاره به فهرست آن را هم ندارد. اما لازم می‌دانم برای روشن تر شدن مطلب به مواردی اشاره کنم.

همچنان که دربارهٔ الگوی مصرف علمی و فرهنگی گفته‌ام، بسیاری از مفاهیم هست که با آنکه در جامعه غرب تازه مطرح شده و ما آن را به‌عنوان کالای علمی و فرهنگی وارداتی تلقی می‌کنیم، ولی اگر قدری دقت شود و مطالعه‌ای صورت گیرد، نمونه‌ها و نظایر آن را در گذشته خود فراوان می‌یابیم. این مفاهیم ارزشمند علمی، فرهنگی و انسانی گاه آنقدر شفاف و بین است که نیازی هم به پردازش هم ندارد، ولی پاره‌ای از آنها را باید دستکاری و پردازش کرد و به تعبیری لباس نو پوشاند و به جامعه عرضه نمود.

من علاوه بر نمونه‌هایی که در زندگی عادی و روزمره دربارهٔ انتخاب همسر، شغل، دوست و همکار و بسیاری از موارد دیگر به آن اشاره کردم که در آن همه به کیفیت توجه می‌کنند و گول ظاهر و کمیت را نمی‌خورند و حتی تبلیغات و شایعات را هم بی‌اثر می‌دانند، به نمونه‌هایی از توصیه‌های فرهنگی و اسلامی اشاره می‌کنم که همه بیانگر توجه به کیفیت و پرهیز از ظاهرنگری و کمی‌گرایی است،

برای مثال، تقوا یک امر کیفی است و ربطی به کمیت ندارد. متقی کسی است که ظاهر، ملاک کار او نیست و ما هم اگر فردی را متقی می‌دانیم قطعاً به ظاهر او اکتفا نمی‌کنیم و همهٔ حرکات و سکنات، منش و رفتار او را در طول زمان مورد توجه قرار می‌دهیم. دربارهٔ تقوا و به‌ویژه در قرآن و روایات آنقدر تأکید شده است که تبیین و تفسیر آن ساده نیست. کیست که بتواند تقوای فرد را براساس کمیت اندازه‌گیری کند. تقوا، روش، منش و حالتی است که در طول زمان با ممارست به‌دست می‌آید و چه بسا یک عمر کار با تقوا با یک حرکت نابجا زیر سؤال و حاصل یک عمر به باد رود. در روایت است که هیچ کار کم ولی توأم با تقوا، از نظر کیفی کم‌ارزش نیست و چگونه چنین چیزی ممکن است که خدا در قرآن فرموده است همانا تنها عمل از متقین (فدائی، ۱۳۸۸ ص ۵) پذیرفته می‌شود.

در اینجا بد نیست به داستانی، اگر چه شاید بسیاری آن را شنیده باشند، که در زمان یکی از امامان - ظاهراً امام صادق علیه‌السلام - اتفاق افتاد اشاره کنم که در آن دیدگاه کمی‌گرای ظاهری مسلمانی نفی و به روح و کیفیت آن توجه می‌شود. داستان از این قرار است که باز بسیار شنیده‌اید که توصیه شده هرگز به طول رکوع و سجود



تحقیق کیفی را عمدتاً شامل تحقیق موردی، زندگینامه‌نگاری، پژوهش قومی، تحقیق زمینه‌ای می‌دانند

از ذکر مطالب فوق، غرض این نیست که بگویم از کار دیگران نباید استفاده کرد و پدیده نوظهور آنها را دست کم گرفت که این برخلاف سنت و فرهنگ ماست که گفته‌اند علم را از هر کس باشد ولو از اهل ضلال و نفاق برگزید. اما این منافاتی با این امر ندارد که ما هر چه می‌گوییم یا می‌شنویم به خود برگردیم و به اندوخته‌های فردی خانوادگی و اجتماعی و سابقه هویتی خود رجوع کنیم و ببینیم آیا چنین مفهوم یا مفاهیمی را در گذشته داشته‌ایم. توجه به این موضوع و اذعان به آن نوعی هویت‌یابی است. پرهیز از خودکم‌بینی است، شروع برای حرکت و امیدآفرینی است. چه بسا فکری، نه به تمام ولی شبیه آن در گذشته‌های ما بوده یا رگه‌هایی از آن با توجه به فرهنگ و سنت ما وجود داشته است که با پردازش جدید بتوان آن را در صحنه فکر و علم جهانی بازگفت یا دست کم مانند بسیاری که به سنت‌های بومی خود افتخار می‌کنند، به آنها تمسک کرد.

من به رسم مألوف خود، به‌تازگی بیش از پیش به دانشجویان توصیه می‌کنم که هر چه را می‌شنوید و هر چه تحقیق می‌کنید، در درجه اول به ادبیات موضوع عمیقاً بنگرید و از همه مهم‌تر ببینید آیا در جامعه و فرهنگ خودمان نشانه‌ای از آن داریم و چنانچه موجود است همچنان که غربیان، همواره به گذشته خود استناد می‌کنند، ما هم از آن دریغ نوزیم و آن را مخالف سنت علمی قلمداد نکنیم. من در جای دیگر گفته‌ام که بسیاری از مفاهیم غربی که از نظر ما جدید به نظر می‌آید، در فرهنگ ما هم ریشه دارد. زیرا مسائل انسانی و فرهنگی و علمی چیزی نیست که خاص یک جامعه‌ای باشد و جامعه دیگر از آن بی‌بهره و نصیب باشد. منتها نیاز به تدبیر دارد و خوش‌ذوقی می‌خواهد و اطلاع عمیق نسبت به گذشته را می‌طلبد که از طریق مطالعه باید آن را به دست آورد. باید محققان ما به زبان فارسی و نثر قدیم و زبان عربی که بسیاری از مفاهیم علمی و فرهنگی و تاریخی ما با آن نوشته شده است، آشنا شوند. آنها را ترجمه کنند و به زبان روز در اختیار دانشجویان و محققان قرار دهند.

نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که اصولاً توجه به تحقیق کمی یا کیفی حاصل افراط و تفریط دنیای غرب است. پیروی بی‌چون و چرای ما از آنها ما را هم به سرنوشت آنها - البته با سال‌ها تأخیر و عقب‌افتادگی - دچار می‌کند. اصولاً کم و کیف با هم عجین هستند و آنها را از یکدیگر نمی‌توان جدا کرد. یک‌جانبه‌نگری دنیای غرب به مسائل پژوهش و فروگاهی مسائل انسانی به امور فیزیکی و مادی به پیروی از پارادایم پوزیتیویسم منجر شد. آنها پس از سال‌ها تمسک به این پارادایم، چون آن را ناکارآمد و ناکافی دانستند، اینک به سوی کیفیت‌گرایی پیدا کرده‌اند. اما اگر یک‌سوی‌نگرانه به کیفی توجه شود و از کم غفلت شود، باز مشکل دیگری پدید می‌آید. مگر می‌توان

(حاکمی از نماز بسیار) افراد توجه نکنید، بلکه به راست‌گویی (صدق حدیث) و ادای امانت او بنگرید. بدیهی است صدق حدیث و ادای امانت امری کیفی است و در طول زمان معلوم می‌شود. علم رجال خود پدیده‌ای است که بر مبنای کیفیت به وجود آمده است. صلاحیت اخلاقی، انسانی و شخصی افرادی که روایات امامان معصوم را نقل می‌کنند، یکی از ویژگی‌های پذیرش احادیث است. کسی که در زندگی خود مرتکب خطا شده یا رعایت ضوابط را نکرده باشد، از نظر دانشمندان فقه و حدیث، روایتش مسئله‌دار است با آنکه ممکن است روایات زیادی را نقل کرده و زحمات فروانی کشیده باشد و به اصطلاح در جامعه علمی جزء فعالان روزگار خویش بوده باشد. درباره خواندن و قرائت قرآن دستور رسیده است که آن را خوب بخوانید، در آن تدبیر کنید و خود گفته است چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنید آیا بر قلوب آنها مهر نهاده شده است.

شمار آیاتی که با کیف شروع می‌شود یا کیف در آن آمده است بیش از ۸۰ مورد است (فواد عبدالباقی، ۳۶۴ ق، ص ۹۴۲) که اگر به دقت به آنها بنگرید هم توصیه بر بررسی کیفی امور شده است. حتی در آیاتی که سخن از کم آمده است باز به نوعی به کیف و کیفیت اشاره می‌کند. مانند چه بسیار گروه اندکی که بر جمع کثیری پیروز شدند. ما اگر در ادبیات فارسی خود جست‌وجو کنیم و نظم و نثرها را بررسی نماییم، متوجه می‌شویم که تا چه اندازه به کیفیت توجه شده و از سطحی‌نگری و توجه به کم نهی شده است. بدیهی است جا دارد در این زمینه تحقیق جامعی صورت گیرد. برای نمونه

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
ای برادر سیرت زیبا بیار
دو صد گفته چون نیم کردار نیست
به عمل کار برآمد به سخندانی نیست

تحقیق کیفی را عمدتاً شامل تحقیق موردی، زندگینامه‌نگاری، پژوهش قومی و تحقیق زمینه‌ای می‌دانند. همه این موارد در فرهنگ اسلامی - ایرانی ما با سابقه و پرسابقه است و اشارات صریح یا غیرصریح درباره آن فراوان یافت می‌شود. برای مثال ما با شأن نزول آشنا هستیم، شأن نزول یعنی توجه به وضع حال و مکان و موقعیتی که به اصطلاح آیه‌ای در آن نازل شده است، یا پژوهش قومی را می‌توان از آیه‌ای که خدا فرموده است، «شما را از زن و مرد و قبیله و ملت آفریدیم تا یکدیگر را بشناسید»، استنباط کرد. یکی از راه‌های شناخت و مهم‌ترین آن تحقیق قومی است - تأکید پایان آیه مبنی بر اینکه «گرامی‌ترین شما باتقواترین شماست»، خود اشاره‌ای صریح بر بی‌نظری و عدم پیش‌داوری در هر پژوهش و تحقیق است.

مفهوم تحقیق کیفی و حتی اجرای آن متناسب با هر عصر و زمانی، امری قدیمی است و همه در زندگی عادی و غیرعادی خود با آن در ارتباطاند



اصولا توجه به تحقیق کمی و یا کیفی حاصل افراط و تفریط دنیای غرب است

یک‌جانبه‌نگری دنیای

غرب به مسائل

پژوهشی و فروگاهی

مسائل انسانی به

امور فیزیکی و مادی

به پیروی از پارادایم

پوزیتیویسم منجر

شد. آنها پس از

سال‌ها تمسک به

این پارادایم، چون آن

را ناکارآمد و ناکافی

دانستند، اینک به

سوی کیفیت‌گرایی

پیدا کرده‌اند

ما با تغییر نگرش قطعا می‌توانیم در صحنه اندیشه و عمل علمی و فرهنگی با دنیا تعامل کنیم، با قاطعیت سخن بگوییم، حرف نو داشته باشیم و از داشته‌های خود دفاع کنیم، همچنان که دیگران چنین می‌کنند، شما اگر به کتاب‌های علمی و تحقیقی بنگرید کمتر کتابی می‌یابید یا تحقیقی را مشاهده می‌کنید که در تاریخچه و سابقه آن از افلاطون و ارسطو و مانند آن یاد نکرده باشد. اما آیا ما چنین کاری را درباره بزرگان علم و فرهنگ خود انجام می‌دهیم؟ ما با داشتن فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی باید اگر حرف نویی می‌شنویم، سهم خود و گذشتگان خود را نادیده نگیریم و از هویت خود دفاع کنیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. طباطبائی، علامه محمد حسین (۱۳۸۴). تفسیر قرآن. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی. ج. ۵. صص. ۴۸۹-۴۹۲
۲. برازش، علی رضا (۱۹۸۸/۱۴۰۸). المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی. تهران: منظمه الاعلام الاسلامی. ج. ۲. ص. ۱۹۶۱ کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله

ماخذ:

۱. استیسی، و. ت (۱۳۵۵). فلسفه هگل، ترجمه: حمید عنایت، تهران: جیبی یا همکاری فرانکلین.
۲. افشار زنجانی، ابراهیم (۱۳۸۸). «نقدی بر اصول و روش‌های پژوهشی کیفی». کتاب ماه کلیات، س دوازدهم، ش ۶ (خرداد ۱۳۸۸)، ص ۲۸ - ۳۵.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: دیدآور.
۴. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین (۱۳۶۸). دیوان، تصحیح: حسین الهی قمشه‌ای، تهران: سروش.
۵. شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۵). منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت‌گیری نوین، مشهد: به‌نشر
۶. فدائی، غلامرضا (۱۳۸۸). فصلنامه پیام کتابخانه، ش ۵۹.
۷. فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷). «درباره اهمیت روش تحقیق و کار برد آن»، مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی؛ راهبردهایی برای ارتقای علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۱۳ - ۱۳۲
۸. فواد عبدالباقی، محمد (۱۳۶۴ق). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قاهره: دارالکتب المصریه.

تحقیقی را پیدا کرد که در آن کم و کیف، هردو، نباشد. تنها در بعضی از پژوهش‌ها براساس خواست پژوهشگر که متأثر از خود تحقیق است، بیشتر به کمیت توجه می‌شود، اما در همان حال از کیف هم بی‌بهره نیست. در مقابل در تحقیقات کیفی هم ناگزیر به مقادیر کمی هم باید توجه کرد. این دو با هم هستند و این چیزی است که از آن به اندازه تعبیر می‌شود. هگل در این باره تعبیر جالبی دارد و می‌گوید کم و کیف با هم هستند و در نهایت اندازه را می‌سازند (استیسی، ۱۳۵۵) و ما به جای کم و کیف باید به اندازه توجه کنیم. قرآن هم در این مورد از مقدار سخن می‌گوید. مقدار همان، اندازه و معجونی از کم و کیف است. به‌تازگی به دلیل فرار از همین یکسوی‌نگری به تحقیق آمیخته (بازرگان، ۱۳۸۷) یا بهتر است گفته شود ترکیبی (شعبانی ورکی، ص ۱۵۳) روی آورده‌اند. پژوهش کیفی از آنجا که مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی است، در مقایسه با پژوهش‌های کمی انسان را خاضع و فروتن می‌کند، در حالی که پژوهش‌های کمی آدمی را به غرور نسبی می‌کشاند. نگارنده در مقاله‌ای به «سمینار علوم انسانی» (فدائی، ۱۳۸۷) درباره روش تحقیق بیان کرده است که بررسی‌های محققانه درباره پدیده‌های جهان فقط از یک منظر نیست و یک رویکرد ندارد، بلکه باید جهات عدیده‌ای را در نظر گرفت. در این مقاله به هشت رویکرد اشاره شده است که عبارتند از: رویکرد پدیداری، پنداری، استمراری، استقرار، رفتاری، آثاری، ساختاری، و مقداری که در آن بحث کرده است که برای مطالعه جهان و پدیده‌های آن هر دانشمند یا گروه دانشمندان باید از منظر خود پدیده یا پدیده‌ها را مورد مطالعه قرار دهد و بداند که همکاری و تعاون دانشمندان به‌جای یکسوی‌نگری و دفع یکدیگر می‌تواند به شناخت جهان کمک کند. در این صورت است که هیچ‌کس حق ندارد بگوید که «من فهمیدم و فهم من حق مطلب را ادا کرده است»، بلکه از روی تواضع باید همواره به صاحب‌نظران دیگر بنگرد و فهم آنان را در فهم خود شرکت دهد و همواره در راه شناخت جهان خود را در راه ببیند و نه در پایان راه. ماحصل آنچه گفته شد، نه تعریضی بر عزیزان پژوهشگر است، بلکه بهانه‌ای بود تا به آنچه آنها هم قطعا با آن موافقت، یادآوری شده باشد. باشد که از این پس هر چه می‌بینیم و می‌اندیشیم درباره آن غور کنیم و آنچه خود داریم را به‌عنوان سرمایه به حساب آوریم تا به قول لسان‌الغیب حافظ مشمول این غزل نشویم که

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است

طلب از گم‌شدگان لب دریا می‌کرد

(حافظ شیرازی، ۱۳۶۸)